

خدایان در آیینها

نویسنده: بابی کوهی

گردآوری: شارمین مهرآذر

Sh.mehrazar@gmail.com

مقدمه:

مباحث پیرامون خدانشناسی امروزه در کشور ما ایران رواج یافته است و بسیاری از مردم در این باره به جدال می پردازند. در یکی از نامه های موجود در سایت، مطالبی را در این ارتباط دیدم به همین بهانه در صدد بر آمدم تا نقش خدا را در آئینهای مختلف بررسی کنم و آنرا برشته تحریر در آورم. مطالب ذیل حاصل این تلاش می باشد به امید آنکه مورد پسند خوانندگان واقع گردد.

معتقدات مصریان:

بهبهنگام ظهور اسلام مصر بعنوان یکی از ملل نیرومند و متمدن محسوب می گردید که با ابداع خط هیروگلیفی و پیشرفت در شناخت علوم ریاضی و بعنوان یکی از مراکز بزرگ فرهنگی جهان شناخته شده بود. از سال 30 قبل از میلاد که مصر بدست سپاهیان رومی گشوده شد همواره مورد تاخت و تاز و تجاوز امپراطوری روم گردید و قسمتی از ایالات مهم آن مانند نیل و دلتا مدتها مورد تاخت و تاز رومیان و ساسانیان بوده است.

طبق تحقیق در بعضی از نواحی مصر ادیان یهود و مانویت و مجوس و مسیحت وجود داشته ولی اکثرا مصریان دارای آئین پلی ته ایسم (چند خدایی) بوده و معتقد به الهه و اصنام بسیار زیاد بوده و گروهی نیز هنوته ایسم بوده اند بدین معنی که یکی از خدایان را برتر از باقی می دانستند. در مصر قدیم در هر ناحیه مردم الهه و معبود ویژه ای می پرستیدند به همین جهت در هر ناحیه به اسم تازه ای از الهه بر می خوریم که مجموعا بالغ بر 2000 الهه می شدند و طرز ستایش آنها نیز متفاوت بود. طوایف مختلف مصریان به ((اوزیریس)) یا خدای اموات و جهان حشر، ((غب)) خدای زمین، ((نات)) خدای آسمانها و خدای که همیشه پیروز است، ((اورفه)) خدای عیش و نوش و زندگی، ((ثوت)) خدای مرغان، ((ایبس و آنویس)) خدای کارها و مشاغل و... معتقد بود اند.

گروهی نیز دره ورود نیل و فراعنه را پرستش می کردند و علاوه بر اینها حیوانات فراوانی چون قوچ، تمساح، گربه ماده، لک لک، و نباتات فراوانی مثل پیاز مورد پرستش بوده اند. از جمله خدایان دیگر مصری: ((رع)) الهه خورشید، ((سو)) الهه هوا، تیفنیت الهه فضا، ((ایزیس)) الهه زمین حاصلخیز، ((سیت)) الهه صحرا، ((نیفتس)) الهه زمین لم یزرع و موات.

مصریان هر شخصی را دارای دو روح می دانستند: 1- ربا 2- کا (باروح جاوید که هرگز نمی میرد) و مراجعت (کا) را با جسم سالم متصور بوده اند.

معتقدات یونانیان :

در روزگاران کهن یونانیان یکی از مشعلداران تمدن بوده اند و اولین کسانی بودند که رأی اکثریت مردم را در حکومت دخالت می دادند .

کمترقومی را می توان یافت که دانشمندان بنامی در قرنهای 7 و 6 و 5 قبل از میلاد داشته باشند ولی یونانیان دارای این افتخار بودند . اسکندر مقدونی که شاگرد ارسطو بود دست به کشور گشایی زد و خواست تا یونان را گسترش دهد و تا حدودی نیز موفق گردید ولی بعد از مرگ وی سرکردگانش دچار اختلاف گردیدند و رومی هانیز که قدرت یافته بوده اند به یونان حمله کرده و استقلال آنرا به کلی تغییر دادند . در یونان نیز آثار توتمیسم - آئیمیسم ، همراه وحدت وجودی و یکتا پرستی و ماتریالیسیسم و... مشاهده می گردید .

یونانیان در باره زمین و آسمان و ماه و خورشید و ستاره و باد و آتش و اشیا دیگر ، تصوراتی دارند که معتقدات دینی آنهاست و هرگروهی یکی از این اشیا را شایسته پرستش می دانند و بمرور زمان برای هر کدام از آنها (رب النوع) فرض کرده و به پرستش آنها پرداختند . به نظر یونانیان تمامی این خدایان متصوره (رب النوع) دارای حالات بشری در نوع شدید آن بوده اند .

اسامی برخی از نامی یونانیان به شرح زیر می باشد :

((اورانوس)) الهه آسمان ، ((سلند)) الهه ماه ، ((پلوتون)) الهه مردگان ، ((گئا)) الهه زمین ، ((پوسیدون)) الهه دریا ، ((پان)) الهه جنگل ، ((با کوس)) الهه شراب ، و از این قبیل . گروهی دیگر به خدای خدایانی که آنرا ((زئوس)) می نامیدند ، عقیده داشتند لیکن بعد از شیوع مسیحیت اکثر یونانیان که از اتباع روم بودند به مسیحیت گرویدند .

معتقدات هند :

هند از لحاظ داشتن مذاهب عجیب و غریب در دنیا منحصر بفرد می باشد . قدیمترین ادیان هند یعنی هندوایسم یا (آئین هندو) و انشعابات سه گانه آن (ودائی) و (برهمنی) و (هندو) می باشد . شعب و مذاهبی که از آئین هندو (آخرین سه گانه) بوجود آمده می توان به (بهگتی) ، (براهما سماج) و (آریا سماج) و (سیکها) اشاره کرد .

دو مذهب مهم دیگری که در مقابل آئین هندو بوجود آمده اند عبارتند از : 1- آئین بودایی 2- آئین جینی

آئین ودائی :

کلمه ودا veda بمعنی معرفت و دانشی است که از طریق سمع حاصل میگردد . این آئین مبتنی بر کتابی قدیمی بنام (ودا) می باشد که مشتمل بر چهار بخش است : ریگ ودا (سرودهای ستایش) 2- ساما ودا (کتاب آهنگها) 3- یا جور ودا (کتاب دستورهای قربانی) 4- آتاروا ودا (آداب و رسوم سحر و جادو)

الهه ای که نامش بیش از همه برده می شود ، ایندرا (خدای طبیعت و الهه طوفان و باران و رعد و برق و صاعقه و خدایی ملی و جنگجو و سلحشور که برفع قوم پرستنده خود به پیکارهای پیروز مندانه دست می زند) است که خیلی از سرودها بنام اوست در مقابل ایندرا ، الهه دیگری بنام (وارونا) قرار دارد که خدای حکمت و عقل می باشد ، وارونا ابتدا خدای شب و آسمان پر ستاره بود . میترا خدای روز و روشنایی و آسمان درخشان است که خدای حق و عدالت محسوب می گردد . از جمله خدایان دیگر این

آئین Prithivimater یا خدای زمین ، Diaouspitar خدای پدر ، Sourya خدای خورشید و Vata الهه باد می باشند. پیروان این آئین برای خدایان خود قربانی می کردند که این قربانی هم می توانست حیوان و یا انسان باشد .

آئین برهمنی :

این آئین همان آئین ودائی است با شکلی نو . این تفاوت در عقاید و سپس در عمل متجلی گردیده است . لغت برهمن نخست در آداب و رسوم قربانی و سپس برای مجریان این رسوم و روحانیون بکار برده شد . کتابهای مقدس این آئین (برهمانا) و (وپانیشادها) می باشد . در این آئین مردم به چهار طبقه تقسیم می شوند : 1- برهمنان 2- کشایرا (حکام و جنگجویان) 3- وایسیا (گله داران و کشاورزان) 4- سودرا (کارگران و صنعتگران)

در این فلسفه معتقد بودند که برهمن بمعنی ذات مطلق می باشد و بدین علت برهمنان از تمامی مردم رتبه بالاتری داشتند . (آتمن) را جان جهان می دانستند ، (کرما) را اعمال می پنداشتند و (سامسا) را بمعنی تناسخ (تجدید حیات در قالبی دیگر) و (موکشا) را راه نجات می دانستند .

آئین هندو :

این آئین امروزه در هندوستان دارای طرفدارانی بیش از سایر آیینها می باشد . این آئین سومین شکل آئین موجود در هندوستان است . هندوها در عین حال که خدایان گوناگون را می پرستند به وجودی قاهر که در راس قرار دارد نیز معتقدند و آنرا خارج از قوه فهم می دانند . آنها معتقدند که این خدا حقیقت خود را در سه مرحله متجلی کرده است .

1- مظهر خالقیت : حقیقت خالقیت خدا در شخص (برهما) تجلی کرده و او خالق این عالم است .
2- مظهر محافظت : حقیقت نگاهبانی خدا در شخص (ویشنو) تجلی کرده و او حافظ موجودات این عالم است .

3- حقیقت قاهریت خدا : از لحاظ میراندن و فانی کردن در شخص (شیوا) ظهور کرده و او مصدر اعدام در این عالم است .

علاوه بر سه الهه فوق الذکر مواردی دیگر نیز موجود است . (راما) خدای عقل ، (کریشنا) خدای حکمت، (گانش) خدای حکمت و عقل .

کتب مقدس اینها عبارتند از : 1- مهابهاراتا 2- پورانا 3- رامایانا

از نظر اینها خداوند بعد از متجلی شدن در (برهما) و (ویشنو) و (شیوا) از تمام امور کناره گرفت و کار را بدانه واگذار کرد . همچنین معتقدند که خدای نگهبان (ویشنو) بصورت‌های مختلف در آمده از قبیل : صورت ماهی ، صورت خرچنگ ، صورت گراز و ... (کریشنا) که هشتمین تجسم ویشنو می باشد از باقی مشهورتر است و مجسمه های وی را در هند می فروشند . (شیوا) را نیز با دو الهه خون آشام دیگر (دورگا) و (کالی) شریک می دانند .

اینها برای گاو همچون ارواح مردگان ارزش قائلند و کشتن گاو در این کشور ممنوع است . گاهی در اعیاد ، مسلمین گاو قربانی میکنند که گاهی میان مسلمین و هندوها درگیری بوجود می آید. اینها گاو ماده را مظهر تمامی الهه ها می دانند و برای آن در عالمی دیگر مقامی بالا قائلند همچنین برای بوزینه ، مار ، درختان مقدس نیز تقدس قائلند .

آئین جینی :

این آئین در برابر مقدسات آئین های هندی بروز پیدا کرد کتب مقدسه اینها عبارتند از : اصلی ترین کتاب (آگاماس) نام دارد . این آئین رفتار پاک را شرط اصلی رستگاری می داند . این آئین مواردی همچون تناسخ (سامسارا) ، کرما (اعمال) ، وحدت و اتصال را از آئین برهمنی پذیرفته با اندکی تغییر . در این آئین از وحدت و اتصال به (نیروانا) تعبیر می گردد . بنظر اینها ماده و روح با یکدیگر مرتبند و به اصالت هر دو معتقدند . بنظر اینان جهان متشکل از جیوا (ارواح و ذرات جاندار) و آجیوا (انواع مواد) می باشد . اینها معتقدند که زندگی با مرگ پایان نمی یابد و هر مخلوقی محکوم است دوباره متولد گردد و بمیرد . از جمله تعلیمات اینان ریاضت و ترک دنیا ، نیاززدن هیچ حیوان ، ترک بخل و حسد و کینه انتقام جویی ، دروغ ، بردباری و شکیب بودن ، اعتماد نکردن به زن و ... می باشد . در عمل فقط راهبان از جان گذشته با این اعمال سخت می توانند دوام آورند .

آئین بودا :

همانطور که گفته شد در حدود قرن ششم قبل از میلاد در مقابل آئین برهمنی ، دو آئین جینی و بودائی پدید آمدند . بودایی بجز در هندوستان در کشورهای دیگر نیز متداول گردیده است . بودا به هنگام مرگ می گوید : آدمی باید از تمامی آنچه را که دوست می دارد ، محروم شود چگونه فردی که ساخته و پرداخته ، آفریده شده است و لحظه به لحظه در معرض بی ثباتی قرار دارد از میان نرود این امری محال است . در این آئین در مورد روح و خدا و آغاز و سرانجام جهان بحثی بمیان نمی آید . وقتی پیروان بودا در ارتباط با ماورالطبیعه از او می پرسند می گوید : بگذار آنچه را که من کشف نکرده ام همانطور باقی ماند . همچنین می گوید : بحث در ابدیت عالم و یا پایان آن برای ما بیهوده می باشد . من بدین دنیا نیامده ام این مسائل را تشریح کنم بلکه آمده ام راه نجاتی برای فرار از دردها بیابم . بودا معتقد است سراسر زندگی مملو از درد رنج است و دنیا وهستی را عبارت از یک سلسله حوادث و عوارض ناپایدار وزودگذر می بیند و در سراسر دنیا هیچ چیز ثابت ومطلق را نمی بیند وی همچنین معتقد بر تناسخ (تجدید حیات) می باشد . برای رسیدن به نیروانا (کمال) بودا چهار حقیقت در پیش رو می گذارد :

1- (دوکا) یا درد و رنج : این دنیای بی ثبات سراسر رنج است و این دنیای ناپایدار چیزی برای دلخوشی ندارد .

2- سمودایا (شهوات و تمنیات) : ریشه تمام دردها در علایق وابستگی های انسانیت میباشد .

3- نارگا (خاموش کردن آتش شهوات) : باید عطش انسانی را به رنجهای بشری از قبیل تولد و میل به بقا و ... را از بین برد .

4- مارگا (طریقه اصلاح) : باید با کنترل اعمال و تفکر خود از دوباره افتادن به دام هستی (تناسخ) جلوگیری کرد .

معتقدات چینیان :

این معتقدات شامل سه مرحله (آئین کهن چین) و (تائوئیسم) و (آئین کنفیوسوس) می باشد .

آئین کهن چین :

بنظر چینیان در جهان دو اصل حاکم می باشد:

1- یانگ yang: که نور و روشن و مثبت و فاعل و حرکت است.

2- یین yin: که مونث، تیرگی، انفعال و سکون می باشد.

باتوجه به وحدت عالم این دو اصل دارای تفاوت‌های آشکاری با یکدیگر هستند (مونث و مذکر) و این تفاوت تنها در قلمرو انسان نمی باشد بلکه تمام کائنات را در بر می گیرد. سطح خارجی اشیا (یانگ) و درون آنها (یین) تابستان و حرارت (یانگ) و زمستان و رطوبت (یین) بدنبال همین فلسفه، ثنویت Dualisme بوجود آمد.

خدای (شانگ تی) که مظهر اصل مذکر می باشد و خدای چرخ فلک نیز خوانده می شود مورد پرستش واقع گردید و معتقد گردیدند که نیک و بد اعمال را در همین دنیا جزا و پاداش می دهد و نیکوکاران را عمری دراز و بدکاران را کوتاه عمر می سازد و در مواقع بدی و عصیان عمومی بالای سخت میفرستد. در مرتبه بعد به (هاتین) H a t i n که مظهر مونث ویا الهه مونث قلمداد می شد، توجه می کردند و او را نیز ستایش می کردند. از خدایان دیگر می توان به خدای حاصلخیزی باران و برف و باد و آتش و کوه و... اشاره کرد.

از موارد مهم دیگر می توان به پرستش نیاکان اشاره کرد. اینکار بنوعی مرده پرستی می باشد در اعماق اعتقادات آنها بوده و چینیها در رفع مشکلات به ارواح مردگان متوسل می گردیدند. در پرستش مردگان نیز ابتدا اجداد پدری اهمیت داشتند. بهمین ترتیب اگر کسی صاحب فرزند دختری می شد همه به او تسلیت می گفتند و این امر را بر خشم اجداد و نیاکان می پنداشتند و اغلب نوزاد دختر را بصحرا می انداختند و یا به برده فروش می دادند.

تائوئیسم (Taoism):

این آئین امروزه در چین در حدود پنجاه میلیون طرفدار دارد. این آئین عبارت است از تعالیم شخصی بنام لائوتسه که در حدود قرن ششم قبل از میلادی زیسته است. کتب مقدس اینان عبارت است از (تائوته چینگ) یعنی کتاب صراط و فضیلت که کوچکترین کتاب مذهبی جهان می باشد و شامل هشتاد و یک قطعه شعر است و این کتاب تالیف خود لائوتسه می باشد. کتاب بعدی را چوانگ نوشته که از پیرامون لائوتسه است و کتاب او نیز مقدس است. اولین اصل آموزشی این آئین (تائو) می باشد. تائو عبارت است از روح کیهانی است که بر سرتاسر هستی سایه افکنده و انسان باید با آن یکی گردد. می گویند: تائو یک راه ابدی است و همه مخلوقات از این راه می گذرند ولی هیچ چیز این راه را بوجود نیاورده زیرا خودش عین وجود است و تائو همه چیز است و هیچ چیز نیست. بعقیده لائوتسه زندگی بشر از محل درخشانی که از اعماق فضا جای دارد می آید. آدمی تا روی زمین است باید سعی کند تا به اصل خویش از طریق ریاضت و تهذیب دست یابد. آموزش علم در این آئین تقبیح می گردد و انسان را تشویق به بی تفاوتی و بی تحرکی می کند.

آئین کنفسیوس:

این آئین در حال حاضر با افزوده هایی در شمار پر طرفدارترین آئین ها در چین می باشد. این آئین از سال 501 قبل از میلاد شروع گردیده است. کتابهای مقدس این آئین عبارتند از: یی چینگ (کتابی که

بقول پیروان آن حاوی تمامی علوم و معرفت‌هاست ولی فهم آن خیلی دشوار است (2- شوچینگ (مشمول بر قسمتی از تاریخ چین قدیم) (3- شی چینگ (شامل سرودها و اوراد) (4- لی چی چینگ (آداب و تشریفات مذهبی) (5- چون چیر (اثر خود کنفوسیوس شامل وقایع مربوط به خود او) . عقاید این آئین چیز جدیدی نمی باشد و شامل خرافات در چین است یعنی توجه به الهه ، نیایش به ارواح ، پرستش آسمان برای امپراتور ، سرورها ، جادوها و ... از نظر دینی ، این آئین ، کهنه پرستی می باشد . اگر از یک چینی پرسید دل کدام طرف است می گوید چه اهمیت دارد سر جایش که باشد درست است بعبارتی روش لادریون را دارند .

تعالیم اساسی کنفوسیوس :

- 1- لی : آدمی موظف است تکالیف حتمی خود را در زمانهای معین انجام دهد .
- 2- شو : آنچه انسان بر خود روا نمی دارد بر دیگران نیز روا ندارد .
- 3- تشنتز : یعنی مرد کامل و آزاده شخصی است که در هر شرائط می کوشد رفتار خود را حفظ کند .

معتقدات ژاپن :

از آئین های ابتدایی اینان میتوان به آنیمیسیم ، توتیمیسیم ، پرستش آلات تناسلی و شینتو اشاره کرد . آئین شینتوئیسیم هم اکنون نیز در میان ژاپنیها رایج است . در شینتو قدیم تعداد خدایان زیادی موجود بود . از قبیل ارواح و نفوس ، امپراتور ، درخت ، گیاه ، صخره ، حیوانات و ... همچنین ارواح مردگان خیلی مقدس بودند . یکی از کتابهای مقدس این آئین (نیهونگه) می باشد که در آن از خدایان آسمان ، حفاظت و نگهداری ، برکت و حاصلخیزی نام برده شده است . اینان نیز الهه مذکر و مونث داشتند و همچنین الهه خورشید . آئین شینتو بعدها با ورود آئین کنفوسیوس و دیگر آئینها دچار تغییر گشت و خدایان دیگری نیز به این جمع اضافه شد . از جمله دستوره های آئین جدید تقدیس و پرستش نیاکان و تکریم امپراتور می باشد .

توتیمیسیم :

غیر از آئین های مشخص که ذکر گردید ، برخی از اقوام و قبائل مختلف آسیای ، اروپایی آمریکایی استرالیایی و آفریقایی عقایدی از گذشتگان داشته و دارند که از آن تعبیر به بت پرستی می شود . اما در جامه شناسی آنرا تحت عنوان توتیمیسیم و آنی میسیم می شناسند .

مبانی عمده آئین توتیمیسیم بر سه اصل استوار است : 1- توتیم 2- مانا 3- تابو قبل از توضیح باید عبارت کلان **Clan** نیز تعریف گردد . در آئین توتیمی ، کلان بعنوان ساده ترین جامعه ایست که از اجتماع بزرگتری زائیده نشده است (مستقل) و ارتباط میان اعضای کلان مبتنی بر همخوانی نیست بلکه صرفا داشتن یک توتیم مشترک است پس کلان یک جامعه دینی خانوادگی و سیاسی می باشد .

1- توتیم : این لفظ بنوعی از موجودات و اشیاء ، مخصوصا حیواناتی که اعضاء کلان ، آنرا مقدس شمرده و یا جد خود می پندارند اطلاق می گردد . این موجودات مقدس غالبا عبارتند از : گارمیش ، عقاب ، طوطی ، کانگورو ، شاهین ، تمساح و ... در مورد نباتات مثل : بوته چای و غیره عضوه های کلان معمولا مجسمه توتیم خود را بر سر خانه خود و در میادین نصب کرده و گاهی بر بدن خود خالکوبی می کنند آنها همچنین

شکل خود را مثل توتم مورد نظر می کنند . در آئین توتمی هر یک از قوای طبیعت بر توتمی خاص منسوب می شود . در یکی از قبایل استرالیا آفتاب را در قالب مرغی بنام کاکائوئس سفید تصور می کردند و ماه را بنام کاکائوئس سیاه می خواندند .

2-مانا: منظور از این لفظ یک نیروی غیر عینی می باشد که در همه جا پراکنده و منتشر است و بین همه موجودات مشترک است . مانا در شیئی معین مستقر نیست بلکه در هر شیئی ممکن است ظهور کند . این مورد امروزه نیز رایج است گاهی افرادی که حتی منکر خدای شوند کماکان به یک نیرو یا انرژی و یا چیزی شبیه به این اعتقاد دارند ، بین انسانها موجود است و شاید شنیده باشید که گفته می شود :

خدای هم که نباشد ولی یک چیزی هست (جهل نو) .

3-تابو: منظور اصول ومقرراتی است که بموجب آن بعضی اعمال ویا اشیاء حرام و ممنوع می گردد و خود آن عمل حرام را تابو می نامیدند .

گاه تابو در مجموع مناسک آئین توتمی نیز بکار می رود . کسانی که توتم آنها گاو است از خوردن گوشت آن محرومند .

آنی میسم:

این آئین بمعنی قائل بودن روح یا نفس مستقل برای هر چیز می باشد . این آئین را بسختی می توان از نمونه های شبیه مثل مانا و تابو مشخص کرد .

در آنی میسم ارواح و نفوس نقش اساسی عالم را بر عهده دارد وجهان آکنده از ارواح و انفس مودی ومفید است . آنیمیستها معتقدند رودی که در جریان است بادی که می وزد آبشاری که زمزمه می کند، تاریکی اسرار آمیز شب و...همگی دارای ارواح و انفسند . اینهاهمچنین معتقداند روح آدمی ممکن است موقتاً جسم را ترک کرده وفاصله بگیرد و یا ممکن است کسی روح دیگری را بدزدد . سحروجادو در آنیمیسم به منزله فنون جنگی می تواند بکار رود بر علیه ارواح مودی .

نتیجه گیری:

در این مقال سعی شد بر نقش خدایان در کشور یونان، مصر، هند، چین، ژاپن پرداخته می شود این نکته که اعتقاد به خدا ریشه در ضعف انسان دارد، از تعداد خدایان آنها قابل درک است . حال اگر تمامی این خدایان در یک خدای واحد خلاصه گردد ، مگر در نفس عمل تفاوتی دارد ؟ اینکه پرستش امری فطری است ، به این صورت صحیح می نماید که پرستش امری است که نشان دهنده ضعف انسان است . شخصی که چیزی را پرستش می کند خود معترف به این قضیه است و برای رفع آن نیاز به یک عامل خارجی دارد بدین علت است که انسانهای مذهبی معمولاً طول عمر زیادی دارند .

اینجانب بدنبال صحیح نبودن این مطلب (اتکا) نمی باشم چون معتقدم همان طور که کسی اگر وابستگی های جسمانی خود را حفظ کند ، هیچگاه خودساخته نخواهد گردید ، این مطلب در ذهن انسانی نیز صادق می باشد ، چطور می توان با این قید و بندهای ذهنی صحیح اندیشید . اگر بپذیریم که انسان زیر مجموعه طبیعت می باشد در نتیجه در برابر طبیعت بطور طبیعی دچار کاستی می باشد یعنی معتقد بر ضعف انسانی می باشم ولی بر طرف کردن این ضعف را بهر صورتی درست نمیدانم . باز هم تأکید می کنم که با خواندن سیر مذکور انسان به این فکر می رسد که اعتقادات کنونی شاید نوعی قوی تر و یا ضعیفتر نسبت به آنها باشد که در نهایت انگیزه عمل در تمامی آنها یکسان است . موفق باشید

بابی کوهی

baabi_koohi@yahoo.com